

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

3- جواب سوّم: روی همین مبنا که ما اتحاد دو لفظ را در باب تثنیه و جمع کافی بدانیم، یعنی: از دو چیز یا سه چیزی تثنیه و جمع بسته می‌شود که مجرد اتحاد در لفظ دارند. روی این مبنا اگر کسی بپرسد استعمالش در بیش از يك معنا به چه طریقی محقق می‌شود، مثلاً کسی بخواهد این عینین را - روی این مبنا - در دو معنا استعمال کند به چه نحو است؟

آخوند می‌گوید: اگر از عینین دو فرد از جاریه و دو فرد از باکیه (مجموعاً 4 فرد) اراده کرد، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد می‌شود.

نکته این جواب سوّم این است که: صاحب معالم فرمود: استعمال تثنیه و جمع در بیش از يك معنا، استعمال حقیقی است. آخوند می‌گوید: خیر، زیرا طبق این مثال که از عینین 4 فرد را اراده می‌کنیم، لفظ را در اکثر از معنا استعمال نموده‌ایم، ولی در این صورت اشکالی متوجّه صاحب معالم می‌شود که اینکه این استعمال مجازی است؛ زیرا شما در موضوع‌له مفرد، وحدت را قید می‌دانید و می‌گویید: عینین جای عین و عین نشسته است؛ ولی اکنون که از عین، دو فرد جاریه اراده باید قید وحدت را القاء کنید.

صاحب معالم نسبت به موضوع‌له، قید وحدت را آورد، یعنی: واضع می‌گوید: عین برای «جاریه» به تنهایی وضع شده است؛ و روشن است وقتی که برای يك «جاریه» وضع شده است، اگر دو «جاریه» شد، وحدت و تنهایی از بین می‌رود؛ و همان‌طور که وحدت نسبت به خود معنی است نسبت به فرد هم هست.

اگر از عینین يك فرد جاریه و يك فرد باکیه را اراده کردید استعمال حقیقی است؛ زیرا قید وحدت باقی است.

أمّا اگر از عینین، دو فرد جاریه و دو فرد باکیه را اراده کنید این‌جا استعمال مجازی است؛ زیرا قید وحدت القاء شرط است.

تذکّر: این جواب و اشکال به صاحب معالم فقط در لفظ تثنیه است نه جمع، زیرا تثنیه برای دو فرد وضع شده است، بر خلاف جمع که دارای حد اقلّ هست ولی حد اکثری ندارد.

وهم: شما مرحوم آخوند فرمودید استعمال لفظ در بیش از يك معنا، عقلاً محال و ممتنع است؛ در حالی که ما وقتی به روایاتی که در باب قرآن وارد شده مراجعه می‌کنیم روایاتی می‌بینیم به این مضمون که: إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطُونًا سَبْعَةً أَوْ سَبْعِينَ. متوهم می‌گوید: ما يك لفظ داریم و خدا يك معنای ظاهری و 7 بطن یا 70 بطن را از آن اراده کرده است. لازمه این حرف این است که يك لفظ در 71 معنا یا در 8 معنا استعمال شده است - بر اساس روایاتی که می‌گوید قرآن 7 بطن دارد - .

بنابراین، این روایات نه تنها می‌گویند که استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد جایز است؛ بلکه در قرآن هم واقع شده است، ولی شما می‌گویید که چنین استعمالی محال است؛ و حال آن‌که مهمترین دلیل بر امکان يك شیء، وقوع آن است.

پس وقتی روایات می‌گویند که چنین چیزی در قرآن واقع شده است، ما هم باید بگوییم که چنین استعمالی امکان دارد.

دفع توهّم: این روایات می‌گویند: خداوند از آیه، این 7 بطن را اراده کرده است؛ ولی آیا اراده کردن 7 بطن، معنایش این است که خدا لفظ را هم در آن معنای استعمال کرده است؟ خیر، بلکه لفظ در بیشتر از يك معنا و آن هم معنای ظاهری استعمال نشده است.

توجیهات و تفاسیر مربوط به این روایات

1- تفسیر اوّل: شاید مراد از این بطون این است که در همان حالی که خداوند لفظ را در معنای خودش استعمال کرده است، آن معنای هم مرادش بوده است.

2- تفسیر دوّم: این معنای و بطون از لوازم معنای ظاهری الفاظ قرآن است. شما آن جایی که لفظ را می‌گویید و معنای مطابقی دارد، گاهی این معنای مطابقی يك معنای التزامی هم دارد، ولی آیا شما می‌توانید بگویید که لفظ در معنای التزامی هم استعمال شده است؟

خیر، زیرا لفظ همیشه در معنای مطابقی استعمال می‌شود و ما خودمان معنای التزامی را درک می‌کنیم.

بطون، معنای التزامیه قرآن است، و چون اگر متکلم لفظی را گفت و معنای التزامی را هم اراده کرد، معنایش این نیست که لفظ در آن معنای التزامی استعمال شده باشد؛ پس این معنای التزامی قرآن هم از لفظ اراده نشده است.

فرقی که این معنای التزامی قرآن با سایر معنای التزامی دارد این است که عقول از ادراك معنای التزامی قرآنی قاصر است؛ گرچه سایر معنای التزامی را می‌توانیم درک کنیم.

خلاصه امر دوازدهم

1- استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، عقلاً محال و ممتنع است (نظریه مرحوم آخوند).

2- حقیقت استعمال، مسئله علامت بودن نیست؛ بلکه مسئله مرآتیت است، یعنی: لفظ، وجه و مرآة معنا است و لفظ فانی در معنا می‌شود.

3- آخوند فرمود: اگر امتناع عقلی را نپذیریم و بگوییم استعمال در اکثر از معنا عقلاً ممتنع نیست، تفصیل صاحب معالم را نمی‌پذیریم، به این‌که یا باید استعمال لفظ در اکثر از معنا، در مفرد و تثنیه و جمع مجاز باشد یا در تمام اینها حقیقت باشد.

اگر قید وحدت را در موضوع له پذیرفتیم، پس این استعمال در مفرد و تثنیه و جمع، مجاز است.

و اگر قید وحدت را در موضوع له نپذیرفتیم - که آخوند قبول ندارد - پس استعمال در تمام اینها حقیقت است که نظر آخوند هم

همین است.

4- تفسیری که آخوند برای تثنیه و جمع کرد که تثنیه و جمع به منزله تکرار است من حیث الأفراد.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ